



برنامه زمان بندی سخنرانی های

هشتمین همایش زبان شناسی ایران

۲۶ و ۲۵ بهمن ۱۳۹۱

کلیدواژه‌ها: فعل مرکب فارسی، جزء فعلی، دستوری‌شدگی.

۱. مقدمه

فعل مرکب به فعلی اطلاق می‌شود که ساختمان واژی آن بسیط نیست، بلکه از پیوند یک سازه غیر فعلی همچون اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای، یا قید با یک سازه فعلی تشکیل شده است (دبیرمقدم، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰) که به عنوان نمونه، می‌توان به افعال مرکب شکست دادن، دراز کشیدن، کشته شدن، به کار بستن و دور انداختن اشاره نمود. در دو دهه اخیر مطالعات نسبتاً زیادی در زمینه فعل مرکب صورت گرفته است که برخی از آنها با هدف تعریف و تعیین سهم نحوی و معنایی اجزاء فعل مرکب به رشته تحریر در آمده‌اند. در خلال این مطالعات به مبحث دستوری شدن همکرد که ارتباط نزدیکی با نقش معنایی همکرد در فعل مرکب دارد، نیز پرداخته شده است. رویکردهای زبان‌شناسان مختلف نسبت به دستوری شدن همکرد متفاوت هستند و می‌توان آن‌ها را به دو دسته کلی تقسیم نمود. در یک رویکرد، همکرد را کاملاً تهی از معنا و در نتیجه کاملاً دستوری شده می‌دانند و در رویکرد دیگر اعتقاد بر این است که همکرد دچار شستشوی معنایی شده است، ولی کاملاً تهی از معنا نیست. این تناقضات و عدم همپوشانی دو رویکرد مطرح شده نگارنده را بر آن داشت تا بیشتر به تجزیه و تحلیل افعال مرکب پردازد. برای این منظور یک پیکره زبانی متشکل از ۱۵۰۰ فعل مرکب گردآوری شد. هر یک از این افعال مرکب، ترکیبی از یک جزء غیرفعلی با یکی از ۱۶ همکرد پر بسامد زبان فارسی می‌باشند. نگارنده با این فرض که فرایند دستوری‌شدگی جزء فعلی دارای طیفی است، که در یک سوی آن جزء فعلی معنایی نزدیک به معنای همتای واژگانی خود را حفظ کرده و در سوی دیگر افعال مرکبی قرار دارند که جزء فعلی آنها تهی از معنا و کاملاً دستوری شده است، به تحلیل و بررسی افعال مرکب پیکره زبانی خود پرداخته است. در بخش اول به آثار مرتبط با دستوری‌شدگی همکرد به صورت مختصر اشاره خواهد شد. در بخش دوم آرای زبان‌شناسان در رابطه با موضوع مورد بحث تحلیل و بررسی می‌شود، در بخش سوم تحلیلی جدید توسط نگارنده از ماهیت همکرد ارائه می‌گردد و بخش آخر هم به جمع‌بندی بحث اختصاص دارد.

۲. پیشینه موضوع

از آثار تأثیرگذار در حوزه دستوری شدن می‌توان به اثر هاپر^۱ و تروگات^۲ (۱۹۹۳) با

دستوری‌شدگی جزء فعلی در تشکیل فعل مرکب فارسی

علی علیزاده*

مرجان برادران بزاز**

چکیده

طی فرایند دستوری‌شدگی عناصر واژگانی به تدریج تبدیل به امکانات دستوری می‌شوند یا عناصر دستوری ویژگی‌های دستوری جدیدی را کسب می‌کنند و به اصطلاح دستوری‌تر می‌شوند. در مطالعات مربوط به تحلیل معنایی و ساختاری افعال مرکب فارسی دو رویکرد نسبت به دستوری شدن همکرد (جزء فعلی فعل مرکب) وجود دارد. برخی زبان‌شناسان معتقدند همکرد که در ابتدا فعل واژگانی مستقل بوده است در ترکیب با فعل مرکب کاملاً از معنا تهی شده، به نحوی کاملاً دستوری تبدیل می‌گردد که در ساختار فعل مرکب نقش واگذاری هویت فعلی را ایفا می‌کند. این در حالی است که به عقیده برخی دیگر از زبان‌شناسان همکرد اگرچه دچار شستشوی معنایی می‌شود، ولی کاملاً از معنی تهی نمی‌گردد. در این مقاله ضمن بررسی و مقایسه این دو رویکرد نشان خواهیم داد که هیچ یک از تحلیل‌های فوق نمی‌تواند تصویر جامعی از نقش و کارکرد همکرد به دست دهد و با ارائه و تحلیل نمونه‌هایی از افعال مرکب فارسی این فرض اثبات خواهد شد که فرایند دستوری‌شدگی همکرد دارای طیفی است که در یک سوی آن همکردها، معنایی بسیار نزدیک به معنای همتای واژگانی خود را حفظ می‌کنند و در سوی دیگر این طیف، افعال مرکبی واقع می‌شوند که در آنها همکرد کاملاً تهی از معنا است در حدی که می‌توان آن را یک عنصر دستوری شده نامید. به این ترتیب، می‌توان ادعا کرد که در تشکیل فعل مرکب بر حسب نوع فعل و اسمی که در پیوند با آن قرار گرفته است درجات مختلفی از دستوری‌شدگی یک همکرد وجود دارد. از طرف دیگر در این مقاله نشان خواهیم داد که میزان دستوری‌شدگی همکرد در ساخت و تشکیل فعل مرکب رو به افزایش است و گرایش اهل زبان به تولید و خلق افعال مرکبی است که در آنها همکرد بیشتر تحت تاثیر فرایند دستوری‌شدگی قرار گرفته و یا کاملاً دستوری شده است.

* استادیار دانشگاه دولتی بیرجند Al_aliz@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی M_baradaran_b@yahoo.com

کند است، آن می تواند در معنی "بعضی" یا "بعضی از" (part of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود.

دستوری ساده است. در جمله با حرف اضافه "در" و فعل "باید" درج شده است. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود.

در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود.

بعضی از ... است. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود. در معنی "بعضی" (some) به معنی "بعضی از" (some of the whole) درج شود.

که: "در ساخت فعل مرکب نوعی دستوری‌شدگی با استفاده از باز تحلیل رخ داده است. همکرد در آغاز فعل واژگانی مستقل بوده و سپس، از معنا تهی شده و در مقام جزئی از فعل مرکب باز تحلیل شده است." وی در جای دیگری از این مقاله فعل مرکب فارسی را ترکیبی از اسم، صفت، قید یا حرف اضافه (بخش غیر فعلی) و فعلی که از معنای اصلی و اولیه تهی شده است (همکرد) معرفی می‌نماید.

۳. بحث و بررسی

با مرور نقطه نظرات صاحب‌نظران مختلف که در بالا ذکر شد به نظر می‌رسد که دو رویکرد مختلف در زمینه دستوری‌شدگی جزء فعلی وجود دارد. یک رویکرد متعلق است به گروهی که جزء فعلی را کاملاً تهی از معنا و در نتیجه، کاملاً دستوری شده می‌دانند. در رویکرد دیگر زبان‌شناسان معتقدند که جزء فعلی اگر چه دچار شستشوی معنایی شده است، ولی کاملاً از معنی تهی نیست. در ادامه، ضمن تحلیل و بررسی این دو رویکرد نشان خواهیم داد که هیچ کدام از آنها تصویر جامعی از ماهیت جزء فعلی ارائه نمی‌دهند و با ارائه و تحلیل نمونه‌هایی از افعال مرکب تحلیل تازه‌ای از دستوری‌شدگی جزء فعلی مطرح خواهیم نمود.

پیشتر گفتیم که البرزی (۱۳۷۷) معتقد است در فرآیند ترکیب اسم و فعل، جزء فعلی گزاره مرکب معنای واژگانی خود را کاملاً از دست می‌دهد، مانند «خوردن» در گزاره مرکب «قسم خوردن». حاصل این فرآیند گزاره مرکبی است که جزء فعلی آن صرفاً دارای یک نقش دستوری است.

می‌دانیم که در فارسی جدید فعل واژگانی «خوردن» دو معنی کاملاً متفاوت و غیرمرتبط با هم دارد که می‌توان آنها را با معادل انگلیسی «to eat» و «to hit» مشخص نمود (فامیلی، ۲۰۰۶، ص ۷۸). با این توضیح افعال مرکب زیادی را می‌توان مثال زد که در آنها همکرد «خوردن» معنای واژگانی خود را کاملاً از دست نداده است، بلکه تا اندازه زیادی آن را حفظ کرده باشد. از جمله خاک خوردن، هوا خوردن، کتک خوردن، شلاق خوردن در جملات زیر:

(۱) دیروز که بیرون بودیم هوا طوفانی شد و حسابی خاک خوردیم.

(۲) در و پنجره‌ها رو باز کن هوا بخوریم.

(۳) بچه شیطون از باباش کتک خورد.

(۴) زندانی امروز ۱۰۰ ضربه شلاق خورد.

محمد و کریمی (۱۹۹۲، ص ۲۰۱) برای اثبات ادعای خود مبنی بر این که جزء فعلی کاملاً تهی از معنی است و عنصر اسمی بار معنایی فعل مرکب را بر دوش می‌کشد، به ذکر دو مثال محدود زیر بسنده می‌نمایند و چنین شرح می‌دهند که در موارد (الف و ب) هر یک از مثال‌های (۵) و (۶) در حالی که عنصر فعلی متفاوت است، اما عنصر اسمی مشترک و معنی برابر با دیگری است. تنها تفاوت در ماهیت سبکی است.

(۵) الف. اظهار کردن ب. اظهار داشتن

(۶) الف. مجبور کردن ب. مجبور نمودن

نمونه‌هایی نظیر آنچه که محمد و کریمی ذکر کرده‌اند گرچه در زبان فارسی وجود دارند، ولی تعداد آنها بسیار کم است و نمی‌توان آن را به کل افعال مرکب فارسی تعمیم داد. به عنوان مثال، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

(۷) الف. علی کتابش را به من قرض داد. ب. علی از دوستش مقداری پول قرض گرفت.

(۸) الف. مادر از شدت ضعف پس افتاد. ب. مادر کتاب آشپزی را از همسایه پس گرفت. در موارد (الف و ب) هر یک از مثال‌های (۷) و (۸) در حالی که مانند مثال‌های (۵) و (۶) عنصر غیرفعلی یکسان است، معانی دو فعل مرکب با هم برابر نیستند. به نظر می‌رسد که جزء فعلی در این نمونه‌ها نه تنها در تعیین معنای فعل مرکب دخیل است، بلکه معنای واژگانی اولیه خود را هم حفظ نموده و دچار استحاله معنایی نشده است. علاوه بر این، مثال‌های (۹) و (۱۰) را نیز می‌توان برای رد مدعای محمد و کریمی مورد توجه قرار داد.

کریمی (۱۹۹۸، ص ۱۰) این نظر را مطرح می‌کند که اگرچه افعال سبک (جزء فعلی فعل مرکب) دچار شستشوی معنایی می‌شوند، اما کاملاً از معنی تهی نمی‌گردند. وی برای اثبات مدعای خود نمونه‌های زیر را ارائه می‌کند:

(۹) الف. تحویل گرفتن (to take delivery) ب. تحویل دادن

(۱۰) الف. بالا بردن (to promote) ب. بالا آوردن (to vomit)

در نمونه‌هایی که کریمی ذکر نموده است، شاید بتوان رد پایی از معنای اولیه فعل سبک را در تعیین معنای فعل مرکب حاصل یافت، ولی باید پذیرفت که این امر قاعده‌ای کلی نیست و افعال مرکبی را می‌توان شاهد آورد که جزء فعلی آنها کاملاً از معنای اولیه تهی شده‌اند. به عنوان مثال، به نمونه‌های زیر توجه کنید:

(۱۱) الف. وقتی سر خوردم بچه‌ها حسابی منو دست انداختن. (دست انداختند)

ب. آمریکا و اسرائیل در ترور دانشمندان هسته‌ای ایران دست داشتند.

(۱۲) با دستان کوچکش صورت چروکیده مادر بزرگ را لمس کرد.

(۱۳) دیروز زلزله‌ای به قدرت ۸ ریشتر در بم رخ داد.

(۱۴) از پله که افتادم پام پیچ خورد.

هیچ وجه نمی‌توان از روی عناصر تشکیل‌دهنده ترکیب به معنای آن پی برد. بنابراین، می‌توان ادعا کرد همکرد «دادن» در این ترکیب از معنا تهی است و در نتیجه کاملاً دستوری شده است. در سایر طیف‌های عنوان شده نیز می‌توان توضیحات مشابهی ارائه داد. بنابراین، نمونه‌های فوق فرض نگارنده مبنی بر طیفی بودن فرایند دستوری‌شدگی را اثبات می‌کند.

بنا بر تعریف لمان (۱۹۹۵) انتظار می‌رود به مرور زمان میزان دستوری‌شدگی همکرد افزایش یافته باشد. برای حصول اطمینان باید افعال مرکب جدید را مورد بررسی قرار داد. بخشی از افعال مرکب جدید ترکیبی از لغات قرض گرفته شده و همکردهای پربسامدند، ولی بخش عمده آنها افعال مرکبی هستند که در گفتار نسل جوان به وفور مورد استفاده قرار می‌گیرند و گرچه ساخته و پرداخته نسل جوان است، ولی بخشی از آنها به سبب کثرت استعمال به زبان مردم کوچه و بازار راه پیدا می‌کنند و جزئی از زبان معیار می‌شوند. از جمله افعال مرکب جدید که تلفیقی از کلمات قرضی و همکردند، می‌توان افعال ایمیل زدن، اس ام اس زدن، تلفن کردن، فکس زدن/کردن، چت کردن، بوتاکس کردن، ویزیت کردن، تاتو کردن، لایر کردن (موی سر) و ... را عنوان کرد. از میان افعال مرکب جدیدی که به زبان معیار راه پیدا کرده است نیز می‌توان افعال گیر دادن، حال دادن، جیم شدن، دودره کردن، سه کردن، سوتی دادن، فک زدن، تیپ زدن، مخ زدن، کلاس داشتن، شاخ شدن، قاط زدن و آمار گرفتن را مثال زد که به نظر می‌رسد با توجه به نمونه‌های ارائه شده در نمودار فوق پایه فعلی آنها حداکثر فرایند دستوری‌شدگی را تجربه کرده است. مهدی سمائی (۱۳۸۲) در اثر خود با نام «فرهنگ لغات مخفی» واژه‌های جدید موجود در گفتار جوانان را گردآورده است. بخش وسیعی از افعال جدید موجود در گفتار جوانان در این کتاب موجود است که از آن جمله می‌توان به نمونه‌های فاز دادن، کیو دادن (=آگاه کردن)، رله کردن (=آماده استفاده کردن)، کلید کردن (=پایب شدن)، کاریکوت گرفتن (=مراقب بودن)، شاس زدن (=لنگیدن)، و فر خوردن (=عصبانی شدن) اشاره نمود. با بررسی افعال مرکب موجود در اثر سمائی محقق به این نتیجه می‌رسد که در تمامی این افعال مرکب همکرد معنای واژگانی اولیه خود را از دست داده و دچار بسط استعاری شده است و تنها نقش القای هویت فعلی را ایفا می‌کند. در افعال مرکب دسته اول که از ترکیب با واژه‌های قرضی جدید ساخته شده‌اند نیز همکردها تهی از معنا هستند.

نتیجه‌گیری

نمی‌توان برای دستوری شدن یا عدم دستوری شدن جزء فعلی در افعال مرکب رأی

این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد. در این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد. در این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد.

۱. مقدمه

واژه‌های مرکب در زبان فارسی یکی از پدیده‌های مهم دستوری است. این واژه‌ها از ترکیب دو یا چند واژه مستقل تشکیل می‌شوند. در این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد.

روش

واژه‌های مرکب در زبان فارسی

* عنوان علمی

نتیجه

این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد. در این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد. در این مقاله به بررسی واژه‌های مرکب در زبان فارسی می‌پردازد.

Family, N. (2006). *Explorations of Semantic Space: The case of light verb constructions in Persian*. PHD Dissertation, EHESS, Paris, France.
Hopper, P., & E. C. Traugott. (1993). *Grammaticalization*. Cambridge University Press.
Karim, S. (1998). Persian complex verbs: idiomatic or compositional? *Lexicology* 3.1, pp 273-318.
Lehman, C. (1995). *Thoughts on Grammaticalization*. Munich: LINGCOM Europa.
Mohammad, J. & S. Karimi. (1992). Light verbs are taking over: complex verbs in Persian. *Proceedings of the Western Conference on Linguistic (WECOL)*. PP 195-212.